

## تفسیر مقارنه‌ای آیه ۱۰۵ توبه از دیدگاه مفسران فریقین با تأکید بر دیدگاه فخر رازی و علامه جوادی آملی

\* مریم رستگار

\*\* علی پیرهادی

\*\*\* عباس مهدوی‌فرد

### چکیده

آیه ۱۰۵ سوره توبه به صراحت از رؤیت اعمال توسط خداوند، رسول ﷺ و مؤمنان سخن می‌گوید. در اصل رؤیت اعمال از ناحیه خدای متعال اختلافی میان مفسران مشاهده نمی‌شود اما مسئله اصلی در بحث رؤیت پیامبر ﷺ و مؤمنان و همچنین مصداق «مؤمنین» در آیه است که میان مفسران، اختلاف نظر جدی وجود دارد. این نوشتار پس از بررسی مقارنه‌ای دیدگاه مفسران خاصه و عامه و تحلیل آن، به این نتیجه رسیده است که وجه مشترک تفسیر امامیه و عامه این است که آیه در مقام تهدید و تشویق مخاطبان، همراه با رهاورد اخلاقی و تربیتی است و در وجه افتراق، دیدگاه امامیه، دارای مبانی و تحلیل است، بدین بیان که با اعتقاد به عصمت پیامبران و امامان و بحث ولایت باطنی به همراه ادله قرآنی، روایی و عقلی، با تبیین رؤیت به شهود عرفانی امامان معصوم به عنوان مصادیق مؤمنان محذوری در تفسیر آیه نیست؛ اما در تفاسیر مفسران عامه در پاسخ به مسائل اصلی به علت عدم اعتقاد به مبانی فوق، انسجام و تبیین منطقی مشاهده نمی‌شود و علی‌رغم تلاش برخی چون فخر رازی، پاسخ اقناع کننده‌ای یافت نمی‌شود و اغلب به صورت سطحی از تفسیر آیه گذشته، تفسیر قاطع و در خوری ارائه نموده‌اند.

### واژگان کلیدی

آیه ۱۰۵ توبه، تفسیر مقارنه‌ای، فخرالدین رازی، علامه جوادی آملی.

rastgar147@gmail.com  
Pirhadi23@gmail.com  
amahdavifard@qom.ac.ir  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۴

\*. دانش آموخته دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه قم.  
\*\*. مدرس گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول).  
\*\*\*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه قم.  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۳۱

### طرح مسئله

پرداختن به قرآن کریم، به عنوان کتاب هدایت بشری و متن مشترک مذاهب اسلامی در تبیین آراء و عقاید از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به خصوص آیات پیرامون اعتقادات که اهمیت فهم و تبیین آن دو چندان است، از جمله این آیات، آیه معروف به آیه رؤیت اعمال<sup>۱</sup> است:

وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ  
فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. (توبه / ۱۰۵)

بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند! و به زودی، به سوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می‌شوید و شما را به آنچه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد.

علی‌رغم تصریح آیه به رؤیت اعمال انسان‌ها توسط خدا، رسول ﷺ و مؤمنان، به دلیل برداشت‌های متفاوت از «رؤیت اعمال» به جهت ابهام و تشابه در مفهوم و کیفیت آن در خداوند، رسول و مؤمنان و به جهت اجمال در عنوان «الْمُؤْمِنُونَ» و در نتیجه عدم تعیین مصداق آن، فهم آیه با مسئله و مشکل روبه‌رو گردیده، تفاسیر و برداشت‌های متفاوتی از آن به خصوص میان مفسران عامه و امامیه به دست آمده است که می‌توان با بررسی تطبیقی مشترکات و جهات افتراق دیدگاه‌های مفسران فریقین، به قضاوت صحیح و منصفانه رسید؛ در نظر امامیه آیه ناظر به بحث رؤیت و نظارت اعمال انسان‌ها توسط مؤمنین در دنیا است که مصداق آن امامان معصوم علیهم‌السلام هستند که از جمله شئون ایشان ذیل عنوان ولایت تکوینی است؛ مطلبی که بنابر نظر اندیشمندان و صاحب‌نظران امامیه و شواهد تجربی، امری ممکن و سازگار با اصول عقلی است (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۴۲۵؛ طوسی، بی‌تا: ۵ / ۲۹۵؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۲ / ۸۲ و ۱۳۷۲: ۵ / ۱۰۴؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۰ / ۳۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۱ / ۴۹۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲ / ۸۴۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۶۲؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۲ / ۳۵؛ شبیر، ۱۴۰۷: ۳ / ۱۱۵؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۴ / ۳۰۶؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۳ / ۱۶۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۳۷۹؛ حمود، ۱۴۲۱: ۲ / ۱۱۹ - ۱۱۷، جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۵ / ۲۴۷؛ سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۸۹: ۹) اما سؤال مطرح در این بحث این است که: با استفاده از سیاق آیه و شواهد عقلی و نقلی برون‌متنی آیه، استفاد از رؤیت اعمال در آیه، چیست؟ با استفاده از شواهد، کیفیت رؤیت اعمال چیست و آیا رؤیت عادی ملحوظ است یا غیرعادی؟ آیا طبق نظر مفسران عامه، آیه در مقام اشاره به مسئله‌ای عادی است؟ بدین بیان که: همه اعمال انسان، خواه ناخواه ظاهر خواهد شد و افزون بر

۱. بسیاری از آیات قرآن مجید در سوره‌های گوناگون به نام‌ها، عناوین یا القاب خاصی مشهورند که یا در احادیث آمده یا در زبان مردم به دلایلی رایج شده‌اند، که برخی مستند و برخی غیرمستند هستند. که این آیه در محاورات و جلسات علمی به رؤیت اعمال مشهور است.

خداوند، پیامبر ﷺ و تمامی مؤمنان از طرق عادی از آن آگاه می‌شوند یا آیه از حقیقت دیگری پرده برمی‌دارد و «رؤیت» در آیه، اشاره به امری فراطبیعی است؟

در پاسخ به این مسائل، بررسی تفاسیر مختلف فریقین، از این آیه و بررسی تطبیقی تفاسیر جهت یافتن پاسخی جامع و اقناع‌کننده با توجه به رسالت هدایت‌گری آیات الهی، ضروری است، این نوشتار ابتدا با ارائه و تطبیق دو دیدگاه، به همراه مبانی تفسیری، ادله نقلی، عقلی و تاریخی هر یک نتایجی به دست می‌دهد. مطالعه و تحقیق در تفاسیر عامه و خاصه، از برداشت‌های متفاوت حکایت دارد؛ برداشت‌های متفاوت در تعاریف واژگانی و مفهومی «رؤیت» در آیه، زمان تحقق «رؤیت» با توجه به سین در «سیری»، مصداق «مؤمنون» در آیه و مراد از «اعمال» در آیه که به مبانی مختلف کلامی و تأثیر آن بر فهم آیه برمی‌گردد که از جمله آن موضوع عرضه و به عبارت دقیق‌تر رؤیت اعمال توسط معصومان علیهم‌السلام است که گستره آن در علوم و آثار مختلف کلامی، حدیثی، تفسیری و عرفانی دانشمندان مکتب اهل‌بیت: قابل مشاهده است البته این تلاش‌ها ضمنی هستند و اثر مستقل و مفصل دقیقی در تفسیر آیه مورد نظر به‌ویژه پژوهش به سبک تطبیقی مشاهده نمی‌شود و تنها تفاسیر ذیل آیه، پیشینه این بحث محسوب می‌شوند که در بین تفاسیر نیز تنها برخی از تفاسیر؛ چون *روح الجنان* و *روح الجنان ابوالفتوح رازی*، *المیزان* علامه طباطبایی و *تسنیم* آیت‌الله جوادی آملی در تفاسیر امامیه و در بین تفاسیر عامه در درجه نخست تفسیر *مفاتیح الغیب* فخررازی و آنگاه، تفسیر *روح المعانی* آلوسی و *الدر المنثور فی التفسیر المأثور* سیوطی به‌طور مفصل‌تر به تفسیر آیه پرداخته‌اند.

البته پایان‌نامه و مقاله‌هایی مرتبط با بحث نیز به قلم نگارش در آمده است که به نوعی این موضوع را ذیل عنوان کلی‌تر بحث شناخت امامان مطرح کرده‌اند، مقاله با عنوان «نقش معرفت به امام زمان در تعالی اخلاقی منتظران و زمینه‌سازی ظهور»،<sup>۱</sup> پایان‌نامه با عنوان «شاهدان الهی بر انسان از دیدگاه قرآن و حدیث»،<sup>۲</sup> مقاله با عنوان «شهود یکی از روش‌های علم آموزی ائمه علیهم‌السلام»<sup>۳</sup> ذیل بحث شهود و شهادت، مقالات در موضوع علم امام با عناوین: «منابع علم امام در قرآن»<sup>۴</sup> و «علم امامان به غیب از منظر قرآن با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی»<sup>۵</sup> پایان‌نامه با عنوان «تأثیر احساس نظارت بر رفتار انسان»<sup>۶</sup> ذیل

۱. نوروزی، رضا، ۱۳۹۳ ش، *فصلنامه پژوهش‌های مهدوی*، ش ۸.

۲. برناس، ابراهیم، ۱۳۹۳ ش، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، قم، دانشکده اصول دین.

۳. هاشمی، سیدعلی، ۱۳۹۳ ش، *فصلنامه تحقیقات کلامی*، ش ۷.

۴. شاکر، محمدتقی، ۱۳۹۱ ش، *امامت پژوهی*، ش ۶.

۵. شریعتی، غلام محمد، ۱۳۹۴ ش، *قرآن شناخت*، سال ۸، ش ۱.

۶. فاطمی منش، علی، ۱۳۹۱ ش، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، قم، دانشگاه قرآن و حدیث.

بحث نظارت بر اعمال و پایان‌نامه ذیل بحث عرضه اعمال با عنوان «تبیین، فلسفه، چگونگی و کارکردهای عرضه اعمال بر معصومان از دیدگاه آیات و روایات»<sup>۱</sup> و در نهایت نزدیک‌ترین مقاله به موضوع پژوهش پیش‌رو مقاله‌ای با عنوان «اهلبیت علیهم‌السلام شاهدان اعمال»<sup>۲</sup> است، که همگی خارج از نگاه تطبیقی و به شکل اجمالی، کلی و گذرا به بحث مورد نظر پرداخته‌اند.

### بررسی دو دیدگاه

با تأمل و دقت در تفاسیر امامیه و عامه، به‌وضوح مشاهده می‌شود که برخی از مفسران فریقین با تفسیری گذرا از آیه ۱۰۵ سوره توبه، از نکات تفسیری به سادگی گذشته‌اند؛ اما در هر دو گروه، مفسرانی دیده می‌شود که با نکته‌سنجی و استفاده از نکات کلیدی و با تلاش و تأمل در آیات، به تفسیر آن پرداخته‌اند، در این میان از تفاسیر امامیه می‌توان به تفاسیر شیخ طوسی، طبرسی، ابوالفتح رازی، فیض کاشانی، بروجردی، علامه طباطبایی، آیت‌الله جوادی آملی و از تفاسیر عامه به تفسیر فخررازی و در درجه بعد تفسیر آلوسی و سیوطی اشاره کرد که شیوه هر دو گروه در تفسیر این آیه، توجه به نکات و واژگان کلیدی موجود در آیه بوده است که شامل: واژه «اعملوا»، سین در واژه «فسیری»، تبیین معنای «رؤیت» و کاربرد آن، به همراه بررسی زمانی و مکانی محل وقوع «رؤیت» و مصادیق «المؤمنون» بوده است؛ البته به جهت تفاوت‌های مبنایی دو گروه در تبیین آیه، تفسیر و تبیین نهایی امامیه از آیه شریفه «رؤیت»، متفاوت از تفسیر و تبیین نهایی عامه بوده است، این نوشتار به روش تطبیقی، با تبیین روش مفسران و استفاده دو دیدگاه از نکات کلیدی آیه صورت می‌پذیرد:

#### ۱. معنا و مصداق «اعملوا»

در معنا و تفسیر عامه از «اعملوا» دو نظر عمده مشهود است:

الف) فعل امر «اعملوا» تأکید یا تعلیل ما قبل و مخاطبان آن عموم مردم؛ اعم از صالح و طالح؛ مؤمن، کافر و منافق و در نتیجه جامع ترغیب و تشویق مؤمنان خالص، ارباب و تهدید منافقان و بیماردلان است؛ گویا آیه می‌فرماید، اگر در پی عبودیتی هستی، پس برای خدا انجام بده که او ناظر اعمال توست؛ اگر ایمانت ضعیف‌تر است، پس حداقل برای ستایش خلق؛ رسول و سایر مؤمنان، انجام بده، تا موجبات تشویق و شادی پیامبر فراهم گردد. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۱۴۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۶ / ۱۷؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۲۰۶)

۱. اکبری سولگان، معصومه، ۱۳۹۷ ش، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، قم، دانشگاه قرآن و حدیث.

۲. احسان‌پور، احسان و عبدالهادی مسعودی، ۱۳۹۴ ش، *کتاب و سنت*، ش ۷.

ب) آیه در مقام وعید منافقان متخلف از جهاد و وعده به توبه‌کنندگان و سایرین به توبه است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۰۹) و حتی با توبه به جهت تخلفشان همچنان متمایز از شرکت‌کنندگان در جهادند.

به‌وضوح در هر دو تبیین، آیه خارج از بحث نظارت، مشاهده یا عرضه اعمال است؛ (اندلسی، ۱۴۲۰: ۵ / ۵۰۱) اما در تفسیر امامیه، امر در آیه مذکور، به نحو حقیقی و برابر طبع اولی و در نتیجه دایره مخاطبان با توجه به اطلاق در آیه، فراگیر و دال بر شمول مخاطب؛ هر ذی عمل؛ عموم مردم؛ اعم از مؤمن، کافر و منافق را شامل می‌شود بر خلاف آیاتی نظیر: «اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ». (فصلت / ۴۰) یا: «وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ» (هود / ۹۳) که طبق سیاق آیه و به نحو مجازی، تنها در مقام تهدید و تحذیر خصوص سیئات، بر خطاب به منافقان تصریح دارد (طوسی، بی‌تا: ۵ / ۲۹۵؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۲ / ۸۲؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۰ / ۳۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۱ / ۴۹۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲ / ۸۴۵؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۲ / ۳۵؛ شبر، ۱۴۰۷: ۳ / ۱۱۵؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۴ / ۳۰۶؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۳ / ۱۶۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۳۷۹؛ جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۵ / ۲۴۷) بی‌شک خدای متعال از اعمال آدمی، قبل از انجام آن باخبر است؛ اما مراد از «فسیری الله...» به‌طور قطع، پس از تحقق اعمال است و اعمالی که خداوند از آگاهی خود، رسول و مؤمنان سخن می‌گوید، اشاره به حقیقتی است که به پیامدهای تربیتی - هدایتی و تحقق امری مهم برمی‌گردد که بنای آفرینش انسان و دستگاه عظیم ارسال رسل بر آن استوار است که در بیان کلی عبارت است از هدایت و کمال‌بخشی و نیل هر چیز به سرانجام شایسته که با توجه به هادی بودن قرآن و نقش هدایت‌گری آن حائز اهمیت ویژه است و رسالت این آیه نیز در همین حقیقت گره خورده است که درک و فهم آن را ضروری می‌نماید و این خود، در گرو شناخت واژگان و مصداق‌های آن به‌ویژه معنا و مصداق «عملکم» و بررسی و تأمل بیشتر است؛ چراکه:

- اطلاق در آیه، بیانگر شمول تمامی اعمال؛ اعم از نیک و بد است که از طرق عادی، رؤیت آن بر پیامبر ﷺ و مؤمنان، ممکن نیست؛ به‌ویژه که بیشتر اعمال، در پنهان و خفا؛ پوشیده در پرده استتار است؛ با استفاده از اطلاق آیه، «عمل» به معنایی فراتر از اعمال عادی و آشکار<sup>۱</sup> و اعم از اعمال جوارحی و جوانحی؛ شامل باورها و انگیزه‌های درونی؛ اخلاق، ملکات و حرکات با گستردگی شمول مدرکات شنیدنی، دیدنی، چشیدنی، عقلی، وهمی و خیالی است؛ و «یری»؛ دیدن با شهود است به طوری که همه اعمال، مشهود شاهدان است (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۵ / ۲۴۹) علامه طباطبایی با همین نگاه، نظر برخی

۱. که همگان؛ چه مؤمن و چه کافر، از آن مطلع‌اند.

که عمل در آیه راه، آثار و نتایج آن و به معنای آثار و خواص عمل نیک مرئی خدا، رسول و مؤمنان؛ از شیوع تقوا و اصلاح شئون اجتماع اسلامی، امداد فقراء، خیر و برکت در اموال و... می‌دانند، را رد کرده و آن را پذیرفتنی ندانسته است؛ با این استدلال که دیدن این موارد، تنها مختص خداوند، پیامبر ﷺ و مؤمنان از طرق غیرعادی و به تعلیم الهی نیست؛ بلکه کافران و منافقان نیز قادر به رؤیت آن هستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۳۷۹)

- تحدید و ترتیب در ذکر نام رسول و مؤمنان، پس از نام خدا، در صورتی صحیح است که همه اعمال؛ از جمله، اعمال مشهود از طرق غیرعادی (شهود) منظور باشد، چراکه اعمال آشکار، مرئی مؤمنان و غیرمؤمنان است و این اختصاص لغو خواهد بود!

- بخش پایانی آیه: «فَيُنَبِّئُكُمُ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»، سخن از جزای اعمال در مقابل بخش آغازین و اشاره به مرحله آگاهی خداوند، پیامبر و مؤمنان، نسبت به تمامی اعمال است و با توجه به سیاق و اتحاد موضوع در این دو قسمت؛ بی‌شک، مراد، تمام اعمال آدمی؛ اعم از مخفی و آشکار؛ حقیقت و مطلق آن است که و طبق این آیه، چنین رؤیتی در توان افراد خاص و مختص خدا، رسول و مؤمنان است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۳۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۶ / ۲۰۸ - ۲۰۷)

## ۲. معنا و متعلق «رؤیت»

عامه تبیین‌های متفاوتی از «رؤیت» در آیه ارائه داده‌اند که با نگاه کلی در چند بیان متفاوت قابل ذکر است:

الف) فراست و زیرکی: سلمی با نقل روایتی از نبی اکرم ﷺ که می‌فرماید: «از زیرکی و فراست مؤمن حذر کنید که او با نور الهی به اعمالتان می‌نگرد» رؤیت رسول خدا ﷺ به معنای مشاهده و رؤیت مؤمنان به معنای زیرکی است. (سلمی، ۱۴۲۱: ۱ / ۲۸۵)

ب) رؤیت شهودی الهی و حسی بندگان: به نظر جبائی، «رؤیت» خداوند، شامل امور ظاهری و معنوی، «رؤیت» مؤمنان، شامل امور حسی از اعمال و حرکات ظاهری است (نحاس، ۱۴۲۱: ۲ / ۱۳۳؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۱۴۲؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۱۱ / ۲۷) و قول به رؤیت امور معنوی توسط رسول و مؤمنان، نیازمند دلیل و تکلف‌آور است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶ / ۱۶)

ج) آگاهی از اعمال بندگان: رؤیت رسول خدا ﷺ به معنای علم الهی از اعمال بندگان و رؤیت مؤمنان به معنای القاء محبت صالحان و بغض فاسدان در دل آنان است. (سمعانی، ۱۴۱۸: ۲ / ۳۴۴؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲ / ۳۸۶)

د) عرضه اعمال: برخی از مفسران و علمای عامه نیز، با سکوت در تبیین معنای «رؤیت»، از آن

تفسیر مقارنه‌ای آیه ۱۰۵ توبه از دیدگاه مفسران فریقین با تأکید بر ... □ ۹۳

گذشته‌اند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴ / ۱۸۳؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۹ / ۵۲۸) و در نهایت آن را به معنای عرضه اعمال به پیامبر و مؤمنان در قیامت دانسته‌اند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴ / ۱۸۳)

(ه) شهادت بر اعمال: رؤیت به معنای شهادت بر اعمال است. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۷۵)

(و) کنایه از مدح و ذم: «رؤیت» در آیه، کنایه از کسب پاداش دنیوی - اخروی بندگان صالح، در قالب مدح و ثواب و کنایه از کسب ذم و عقاب دنیوی و اخروی بندگان گناهکار است. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۱۴۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳ / ۹۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۶ / ۱۷)

(ز) شهرت، ظهور و آگاهی: برخی از جمله آلوسی و رشیدرضا با استناد به روایت: «اگر از شما بر صخره‌ای صاف و صیقل که شکاف و روزنه‌ای برای دیدن آن نباشد کاری انجام دهد، خدای متعال عملتان را هرچه باشد آشکار می‌سازد»؛ معتقدند رؤیت اعمال توسط پیامبر و مؤمنان به معنای اشتهار به عمل؛ ظهور و آگاهی سایرین از عمل آنان است؛ و اختصاص این آگاهی به پیامبر ﷺ و مؤمنان به جهت اهمیت و حساسیت این دو نسبت به سایرین در نگاه مردم است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶ / ۱۶؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۱۱ / ۲۸)

بنابراین، به استثنای برخی همچون ابن کثیر، نظر بیشتر مفسران عامه، آیه به امر عادی؛ نگاه معمول انسان به اعمال و آثار و پیامدهای آن اشاره دارد که مشهود انسان در دنیا است (نحاس، ۱۴۲۱: ۲ / ۱۳۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵ / ۹۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۱۴۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۷۶ - ۲۷۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۶ / ۱۶؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۱۱ / ۲۷) و تأخیر رسول و مؤمنان از خدا، مشعر بر تفاوت رؤیت الهی از دو دسته اخیر است؛ رؤیت الهی به معنای علم الهی و رؤیت رسول به معنای باخبر شدن از طریق وحی است و اختصاص این دو، به جهت اهمیت انسان‌ها به آگاهی آنهاست (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶ / ۱۶) و به‌طور عموم در نگاه عامه، این رؤیت، رؤیتی عادی است. به استثنای نظر فخررازی و تعداد معدودی که رؤیت در آیه تک مفعولی و در نتیجه مراد، مطلق علم و یا دیدن نیست؛ بلکه به معنای ابصار و شهود؛ دیدن و معرفت حقیقت عمل است نه دیدن با بصر و صرف مشاهده پیامدهای بیرونی و ظاهری عمل؛ شامل افعال قلبی و امور باطنی از نیات؛ حرکات و سکانات است. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۱۴۴ - ۱۴۱؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۰ / ۳۱؛ زجاج، ۱۴۲۰: ۲ / ۴۹۸ و ۲۹۷) مضاف بر این که اگر رؤیت در این آیه به معنای «علم» باشد به جهت آمدن قید: «وَسَرَّوْنَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ» در انتهای آیه، تکرار بدون فائده لازم می‌شود که از خداوند به دور و امری باطل و محال است؛ بنابراین شامل افعال قلبی و امور باطنی از نیات؛ حرکات و سکانات است (رازی، ۱۴۲۰: همان) به نظر می‌رسد فخررازی با نکته‌سنجی و با توجه به نکات کلیدی آیه، تفسیر و تبیین متفاوتی از نظر عموم عامه و در بدو نظر، تفسیری همسو با نظر مفسران امامی دارد.

امامیه معنای رؤیت و متعلق آن را با دو قرینه کاربرد ادبی رؤیت و گستره عمل، تبیین نموده است: الف) کاربرد ادبی رؤیت در معانی مختلف آن: «رؤیت» در آیه یک مفعولی و نظیر عبارت «رأیت فقیها» و در مقابل فعل دو مفعولی نظیر «رأیت زیدا فقیها» به معنای علم است؛ رؤیت در آیه، به معنای دیدن مطلق عمل و حقیقت آنست نه آثار و پیامدهای عمل که در توان همه انسان‌هاست و مختص خدا، رسول و مومنان خاص نیست. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۳۷۹)

ب) گستره «عمل»: چنان‌که گفته شد در این آیه، «عمل»، اعم از اعمال ظاهری؛ شامل حقیقت اعمال جوارحی و جوانحی و با این تعریف، «رؤیت» نیز به‌طور طبیعی به معنای «معرفت و شهود خود عمل» همراه با بصیرت است نه بصر؛<sup>۱</sup> منظور مشهود بودن همه اعمال، توسط شاهدان است نه صرف مشاهده پیامدهای بیرونی و ظاهری عمل با ادراک حسی قوه بینایی؛ چراکه پیامد کارها در جهان پوشیده نمی‌ماند و این رؤیت، مختص خدا، رسول و اولیای خاص الهی نیست؛ بنابراین، گستره آن، تمامی مدرکات شنیدنی، دیدنی، چشیدنی، عقلی، وهمی و خیالی را شامل می‌شود و انتخاب این واژه به جای ادراک، به جهت اهمیت و غلبه دیدن با چشم، در میان اقسام ادراک است. (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۵ / ۲۵۰ - ۲۴۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۳۷۸)

ج) ذکر فعل «رؤیت» برای سه فاعل، ذکر یک فعل برای سه فاعل بدون تکرار فعل، دال بر این است که: رؤیت در آیه از سنخ شهود؛ علم به کنه و حقیقت اعمال است؛ خداوند حقایق افعال را می‌بیند که هر چیزی در هر نشئه و شأنی در مشهود و محضر خداوند است و عالم محضر اوست و او شاهد کل اشیاء است (مجادله / ۶) و این رؤیت با حفظ ترتیب مراتب در پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام نیز ثابت و پابرجاست، البته این شهود، برخاسته از احاطه و سیطره مرتبه وجودی شاهد بر مشهود است. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲ / ۸۲؛ همو، ۱۳۷۹: ۵ / ۱۰۴؛ جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۵ / ۲۴۵ و ۲۵۱)

درجات رؤیت، نیز بحثی است که نباید از آن غافل شد؛ با این بیان که رؤیت شهودی در مورد خداوند بالذات و بالاصاله، در مورد پیامبر و ائمه، بالتبع و بالغیر و به نحو شهود معصومانه برابر با واقع است و شهود مؤمنان مقرب، در درجه پایین‌تر از رؤیت و شهود معصومانه ایشان و نازل‌تر از مرز عصمت است که این رؤیت و شهود، برخاسته از سطح اشراف وجودی ایشان بر سایرین است. (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ۳۵ / ۲۵۶)

بنابراین مراد از رؤیت در این آیه، مطلق علم نیست که شامل ظن شود (طوسی، بی‌تا: ۵ / ۲۹۵) بلکه علم خاص و گستره آن، شامل شهود، در کنار علم برهانی، معتبر عقلی و نقلی است؛ در نتیجه متعلق

۱. بصر: چشم سر.



رؤیت، مطلق عمل و حقیقت آن است نه آثار آن؛ و به اقتضای فصاحت قرآن، فوق توان سایرین، نیازمند بصیرت است.

### ۳. زمان و جایگاه رؤیت اعمال

با تأمل در تبیین عامه از معنای رؤیت، نوعی آشفتگی و سردرگمی مشهود است؛ برخی معتقدند که خداوند به‌طور عیان، اعمال را می‌بیند و جزا می‌دهد و پیامبر با آگاهی از طریق خداوند، برای مردم طلب استغفار می‌کند، به‌واسطه نیکیشان به دیگران، خداوند نیز در دل مؤمنان محبتشان را افکنده تا دعایشان کنند، (ملاحویش، ۱۳۸۲: ۶ / ۴۸۳) برخی دیگر، رؤیت در آیه را به‌معنای دیدن معمول مبصرات و اعمال؛ از حرکات، سکناات و آثار افعال دانسته‌اند که عموم مؤمنان، با رؤیت افعال و آثار، آن را مورد مدح یا ذم قرار می‌دهند (نحاس، ۱۴۲۱: ۲ / ۱۳۳؛ بیضاوی: ۱۴۱۸: ۳ / ۹۷) و برخی با محدودیت در بیان جایگاه رؤیت، آن را مربوط به قیامت می‌دانند: «یوم تبلی السرائر»؛ (اسفراینی، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۹۰۴؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۰ / ۱۹۹) اما از نظر فخررازی، سین در «سیری» تحقیق و مفید تأکید است؛ و اگر منظور آینده و جزای عمل باشد در این صورت با قید «فَیَنْبِئُکُمْ بِمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» - که اشاره به جزای عمل در قیامت است - تکرار بدون فائده لازم می‌شود که از حکیم جایز نیست؛ بنابراین سین در «سیری» سین استقبال نیست؛ هم مربوط به دنیا و هم مربوط به آخرت است؛ حکم دنیوی آن، این که مرئی خدا، رسول و مسلمانان و در نتیجه مورد مدح یا مذمت قرار می‌گیرد و حکم اخروی آن، پاداش عظیم و یا عقاب شدید است و آیه بیان واحد و جامع آن چیز است که فرد در دنیا، معاش و آخرت، می‌طلبد. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۱۴۲)

اما در نگاه امامیه جایگاه رؤیت با تأمل و توجه به چند نکته، دست یافتنی است:

الف) سین در «سیری»: به نظر علامه جوادی آملی، «سین» در آیه، سین تحقیق و مفید تأکید و در مقابل سین تسویف و استقبال است؛ در نتیجه تحقق این رؤیت در دنیا است؛ اصالتاً همه اعمال، مشهود خدا و به تبع مشهود رسول خدا و خاصان مؤمنان است (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۵ / ۱۹۹) و با توجه به علم الهی قبل از انجام اعمال، «فسیری الله»، اشاره به وضع اعمال بعد از وجود و تحقق آن است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۶ / ۲۰۹) و ناظر به حقیقت آگاهی خداوند به ترتب اشیاء و اعمال است؛ بی‌آنکه علم وی گذشته و آینده داشته باشد مفید حقیقت آگاهی خداوند از اعمال و اشیاء قبل از تحقق آن است، تا چه رسد بعد از تحققشان، همچنان که به ترتب وجودشان پس از عدمشان عالم است. (طوسی، بی‌تا: ۵ / ۲۹۵)

ب) عطف رؤیت رسول و مؤمنان بر رؤیت الهی: رؤیت اعمال بندگان توسط خداوند، بالفعل و مربوط به زمان فعل است؛ نه بالقوه و مربوط به آینده؛ و به حکم اتحاد سیاق، رؤیت رسول و مؤمنان نیز، بالفعل و مربوط

به زمان فعل است؛ به‌ویژه که در این عطف، «رؤیت» تکرار نشده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۵ / ۲۵۴)

ج) اختصاص رؤیت به سه طبقه مذکور: تخصیص جایگاه رؤیت در آیه، به دنیا یا آخرت، با اختصاص آن، به سه طبقه مذکور در تنافی، بی‌جهت و ناسازگار است؛ چراکه با توجه به صدر آیه: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسِرَی اللّٰهُ...» و ذیل آن: «...یما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» اشاره به دو عمل در دو مرحله آگاهی در ابتدای آیه و جزا در انتهای آیه است؛ عمل در دنیا در برابر گزارش عمل در قیامت و هر دو، مشهود پیامبر و معصومان علیهم‌السلام است و این مطلب با سیاق آیه؛ صدر و ذیل آن، سازگار بوده و موافق با مفهوم متبادر و مقتضای فصاحت آیه است.

د) عبارت پایانی آیه «ثُمَّ تُرَدُّونَ اِلٰی عَالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَبِئْسَ مَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» عبارت ذیل آیه: «...ثُمَّ تُرَدُّونَ...» دال بر این است که صدر آیه: «...فَسِرَی اللّٰهُ...» ناظر به قبل از بعث و قیامت و بنابراین این دیدن، قبل از عالم قیامت و مربوط به دنیا است مضاف بر اینکه مناققان تنها در روز قیامت به حقیقت اعمال خود واقفند و قبل از آن تنها و تنها ظاهر اعمال را می‌بینند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۳۷۹)

ه) دلالت احادیث و روایات: روایات بسیاری ذیل این آیه شریفه آمده است که رؤیت اعمال را بر عرض اعمال در دنیا تطبیق داده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲ / ۸۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۵ / ۲۵۴) که در کتب معتبر امامیه، از جمله، کتاب *حجت الکافی*، (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۲۰) و *وسائل الشیعه* در «بَابُ وَجُوبِ الْحَدَرِ مِنْ عَرْضِ الْعَمَلِ عَلٰی اللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وَ الْاَئِمَّةِ علیهم‌السلام» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۱۱۵ - ۱۰۷) است که توضیح آن، در جای خود خواهد آمد.

و) دلالت عقلی بر سنت مشترک محاکم عدل: همچنان که بر مبنای دلیل عقلی، سنت مشترک تمامی محاکم عدل بر لزوم حضور شاهد در صحنه حادثه است؛ در صورت عدم تحقق حضور و رؤیت شاهد در صحنه، اظهار شاهد در محکمه عدل مسموع نیست. با استفاده از همین سنت، امامیه معتقدند که قیامت ظرف ادای شهادتی است که شاهد در دنیا، صحنه حوادث و اعمال را به‌طور حضوری دیده است و شهادت ایشان در قیامت جز با تحقق شهود در دنیا شدنی نیست. (ر. ک: جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۵ / ۲۵۴ و ۱۳۷۶: ۶ / ۱۱۳ - ۱۱۱)

در تفسیر امامیه، این شش دلیل، گواه بر آن است که محل رؤیت و جایگاه آن، مربوط به دنیا و مراد این است که سه طبقه؛ خدا و رسول و مؤمنان، در دنیا، ناظر اعمالند تا بر پایه آن، در آخرت شهادت دهند و شهادت انبیاء و اولیاء الهی جز با تحقق شهود و رؤیت در دنیا، شدنی نیست و هر شهادتی در محکمه قضای الهی فرع بر تحمل آن در صحنه ارتکاب است و بدین ترتیب، ادای شهادت مسموع، مسبوق به تحمل صحیح آن است. (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۵ / ۲۵۴ و ۲۵۸)

#### ۴. مصادیق «المؤمنون»

در بین عامه، تبیین دقیقی از مصداق «مؤمنون»، مشاهده نمی‌شود و با نگاهی کلی، در تبیین عموم مفسران عامه از «رؤیت»، «مؤمنان» به معنای عام شامل تمام مؤمنان است و تنها در تفصیل فخررازی، «رؤیت» به معنای «ابصار» و تنها در توان خدا، رسول و مؤمنان و در چند وجه است:

الف) رؤیت خداوند همان «ابصار و مشاهده فی الحال» اعمال جوانحی و جوارحی است؛ همان‌گونه که دخول تخصیص در معطوف علیه، به معنای وجوب دخول تخصیص در معطوف الیه نیست؛ عطف «الرسول» و «المؤمنون» به خداوند، به معنای اشتراک در تمامی جزئیات و قیود آن نیست و تنها در اصل رؤیت است؛ خداوند حقیقت عمل را می‌بیند و آن را به اطلاع رسول و از طریق او به مؤمنان می‌رساند و این آیه دو وجه دارد:

وجه اول: تقویت انگیزه انسان در دعوت به عمل صالح و نکته دقیق نهفته در این ترتیب که؛ دو انگیزه به فراخور ایمان در رسیدن به عبودیت یا مدح و ستایش پیامبر و مؤمنان، در انجام عمل صالح است.

وجه دوم: شرط صحت شهادت در قیامت، رؤیت در دنیا است. هدف آیه، تنبیه به این که رسول و مؤمنان، أهل صدق، سداد، عفاف، رشاد و شاهدان قیامت در حضور اولین و آخرین هستند. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۱۴۳)

ب) برخی معتقدند اشکالی نیست که مصداق مؤمنان ملائکه و به معنای نوشتن اعمال باشد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶ / ۱۷)

ج) «علم» در آیه به معنای کنایه از مجازات و مخصوص دنیا و در اشاره به ثواب روحی از اظهار مدح و عزت است؛ عبد وقتی بداند مولایش شاهد اعمال اوست با انگیزه و روحیه قوی‌تر، مشقت‌های اطاعت اوامر الهی را تحمل می‌کند و ادامه آیه اشاره به عذاب اخروی آن است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶ / ۱۷)

اما به نظر عموم مفسران امامیه، عبارت «مؤمنون» هم ردیف خدا و رسول ﷺ یا مشابه آن، در اشاره به مؤمنان واقعی خاص و معدود و به معنای معصوم ﷺ است؛ تنها شأن معصومان ﷺ، قرار گرفتن در جایگاه کنار خدا و رسول ﷺ است؛ به‌ویژه که به‌طور مستقیم پس از رسول خدا ﷺ و عطف آن به «الله»، بدون تکرار فعل آمده است، (رازی، ۱۴۰۸: ۱۰ / ۳۱) همچنین توجه، فحص و مقایسه تبیین رؤیت در دو آیه نود و چهارم و آیه مورد بحث، مطلبی است که صاحب‌نظران با استفاده از آن، به بیان مصادیق مؤمنان پرداخته‌اند؛ (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۵ / ۲۵۶) به باور امامیه و برپایه روایات، فاعل «اعملوا» عموم مکلفان و «مؤمنون»؛ مؤمنان مقرب و مصداق اتم ایشان، امامان معصوم ﷺ از امام علی ﷺ تا حضرت مهدی ﷺ هستند که با اشراف وجودی، ناظر بر اعمالند و خلائق ریزه‌خوار کرم

ایشانند و احدی پس از ایشان، به این درجه از شهود و رؤیت نمی‌رسد (طبرسی، ۱۳۷۹: ۶ / ۵۹ - ۵۸؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۴ / ۳۰۷) سخنی که برخی از عامه به شدت مخالف آن بوده و آن را بلاخیز دانسته‌اند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶ / ۱۷)

البته علامه طباطبایی و جوادی آملی، با توسعه در مصداق «مؤمنون» در این آیه و با توجه به سبک و سیاق کلام، علاوه بر ائمه علیهم‌السلام، دیگر مؤمنان مخلص، متخلق و متحقق به ایمان در درجات نازل‌تر از ائمه، را از دیگر مصادیق آن می‌دانند که خداوند آنان را شاهد بر خلق قرار داده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۳۷۹)

به اعتقاد عموم مفسران امامیه، آیه همه زمان‌ها و اشخاص قبل و بعد و هم عصر امامان معصوم علیهم‌السلام، را در بر می‌گیرد به‌خصوص که در این آیه به شهادت ایشان به قید حیات اشاره‌ای نشده است؛ بنابراین، اطلاق حکم، مانع اختصاص آن به زمان حیات دنیوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بدون دلیل و قرینه است؛ چنان‌که رسیدن گزارش اعمال به حضور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مؤمنان در زمان مستقبل و زمان خاص نیز با ظاهر آیه منافات دارد (طیب، ۱۳۷۸: ۶ / ۳۰۹ - ۳۰۸) با این بیان رسول خدا و همه امامان معصوم و به‌ویژه حضرت مهدی علیه‌السلام ناظر بر اعمال امت در عصر غیبت هستند چنان‌که همه در محضر خدایند؛ با این تفاوت که نظارت و رؤیت الهی ذاتی، ازلی، بی واسطه و بی‌حد و مرز است؛ اما علم رسول و ائمه معصومین علیهم‌السلام در طول نظارت و رؤیت الهی، به اذن او و در محدوده اراده الهی است. همان‌گونه که دیدن گزارش عمل در مورد خداوند قابل توجیه نیست، چنین بیانی در مورد رسول و مؤمنان نیز تکلف‌آور و غیرقابل توجیه است و به حکم عقل و نص آیه، «مؤمنون»، خود عمل را می‌بینند. بنابراین با توجه به اطلاق عمل و در نتیجه معنای رؤیت و به اقتضای فصاحت قرآن، همچنین عطف موجود در آیه، مضاف بر ذکر یک فعل برای سه فاعل بدون تکرار فعل، رهنمون به مصدیق «مؤمنون» است و رؤیت مورد نظر در هر سه فاعل، از یک سنخ، با شدت و ضعف برخاسته از ترتب مذکور، قابل درک است؛ و شهود و رؤیت حقیقت عمل و عامل، برخاسته از احاطه و سیطره مرتبه وجودی شاهد بر مشهود و در دو درجه و چهار رتبه اصلی، قابل ذکر است:

- رؤیت و شهود مستقل و بالاصاله ذاتی؛ علم حضوری و بی‌واسطه خداوند سبحان.
- رؤیت و علم شهودی بالغیر و بالتبع که در درجه اول، خداوند آن را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مؤمنان مقرب - با مصداق اتم امامان معصوم علیهم‌السلام - عنایت فرموده است؛ رؤیتی حقیقی، کامل و شهود<sup>۱</sup> معصومانه برابر با واقع. و در درجه دوم رؤیت مؤمنان مقرب و شاگردان خاص انبیاء و اولیاء؛ رؤیتی نازل‌تر از مرز

۱. حضوری؛ در مقابل حصولی.

عصمت و شهود معصومانه امامان معصوم علیهم‌السلام و در حد مفاد کأن؛ این گروه نیز با نیل به درجاتی از شهود، از شاهدان قیامتند. در درجات بعد، مؤمنان عادی، تنها از رهگذر آموزه‌های وحیانی و با علم حصولی، بهره‌مند از درجات خفیف این شهود، در رؤیاهای صادقانه، بیداری و شهود باطنی، شاهد حقیقت عملند (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۵ / ۲۵۶ - ۲۵۴) که می‌توان در دو سطح گستره وجودی و حضوری ایشان بیان نمود و به فرموده امام علی علیه‌السلام، ایشان حقایق برزخی و ملکوتی را در این جهان بی پرده؛ آن‌گونه می‌بینند که دیگران پس از مرگ می‌بینند: «فَهُمْ وَ الْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُتَعَمَّرُونَ وَ هُمْ وَ النَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا...» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۳۰۴) و مقام رؤیت به جهت تقرب<sup>۱</sup> و اشراف ایشان بر سایرین است<sup>۲</sup> و بر پایه روایاتی نظیر روایت امام زمان علیه‌السلام: «فَأَنَا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يُعْزَبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَحْبَابِكُمْ ... إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۴۹۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۳۷۹) و جمله معروف امام علی علیه‌السلام به رُمَيْلَه: «لَيْسَ يَغِيبُ عَنَّا مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا فِي غَرْبِهَا» (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۶۰) کمترین تردیدی در احاطه علم امام علیه‌السلام بر امت، باقی نمی‌گذارد؛ و ائمه اطهار، به‌عنوان «شهداء علی الناس» از کم و کیف عملکردها؛ حتی نیت شیعیان خود باخبرند.

نکته مسلم، اتفاق نظر امامیه بر رؤیت و نظارت دنیوی معصومان علیهم‌السلام بر اعمال امت؛ به‌عنوان بحث مهم ولایت تکوینی، ذیل اصل اعتقادی امامت است که در نظر امامیه، بحث و اختلافی در آن نیست؛ اما نکته بحث برانگیز، چگونگی رؤیت است که می‌توان گفت تطبیق آیه با بحث عرضه اعمال و به‌معنای رؤیت علمی در روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه توسط ملائکه کتبه (نویسنده) عرضه گزارش عمل، بر پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام در حیات و ممات، قابل مناقشه است؛ چراکه رؤیت ایشان از باب سعه و اشراف وجودی بر امت و به نحو حضوری است؛ حقیقتی که در آداب زیارت قبور ائمه مشهود است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ تَشْهَدُ مَقَامِي» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۲ / ۶۱۰) و در روایات نیز مشهود است که البته ذکر چند نکته در توضیح این روایات لازم است:

اولاً؛ در تفکر امامیه، ائمه معصوم علیهم‌السلام همگی با وحدت روحی نور واحدند؛ بنابراین معرفی حضرت علی علیه‌السلام در برخی روایات، به‌عنوان مصداق «مؤمنین» از باب قیاس اقترانی است؛ همچنان که در زیارت جامعه کبیره آمده است:

۱. كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ \* وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ \* كِتَابٌ مَرْفُومٌ \* يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ. (مطففین / ۲۱ - ۱۸)

۲. لکن الذین اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها غرف مبنیة. (زمر / ۲۰)

و أن ارواحکم و نورکم و طینتکم واحده و طابت و طهرت بعضها من بعض؛ (ابن بابویه،

۱۴۱۳: ۲ / ۳۶۱؛ جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۵ / ۲۶۵)

ثانیاً: در روایات، بیانات متفاوت در مسئله عرضه اعمال وارد شده است برخی از این روایات به شهادت به نحو مطلق و لحظه‌به‌لحظه معصومان علیهم‌السلام بر اعمال امت با تعبیر «عین الله» اشاره شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۴۵) در برخی دیگر، پنجشنبه، روز عرضه اعمال بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا یکی از معصومان علیهم‌السلام معرفی می‌شود. در برخی هم، هر روز؛ صبح و عصر و در برخی، روز و شب را زمان عرضه اعمال می‌دانند و یا در زیارت روز جمعه که خطاب به امام زمان علیه‌السلام آمده است که: «السلام علیک یا عین الله فی خلقه» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۹ / ۲۱۶) قدر مسلم، در جمع این روایات، آن که انسان، همواره در محضر خدا، رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام است.

### ولایت باطنی

نقطه عطف افتراق امامیه و عامه، در بحث امامت و خلافت پس از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اعتقاد به آن و ملزومات آن است؛<sup>۱</sup> به طوری که می‌توان گفت فرقه‌های اسلامی در هیچ‌یک از مسائل دینی به‌سان این مسئله، اختلاف نظر نداشته‌اند. علمای نام‌آور امامیه اثناعشری، قائل به نص<sup>۲</sup> در تعیین امام با شرط عصمت به‌عنوان حافظ و مبین شریعت پیامبر هستند در مقابل، اهل سنت قائل به بیعت و اجماع اهل حل و عقد در این باب هستند و مسئله علم مطلق امام از جمله ملزومات اصل امامت است که اهل سنت، علم خلیفه را محدود می‌دانند، لیکن شیعه دوازده امامی با استناد به آیات و روایات، جمیع امامان را عالم به علم غیب و شهادت می‌داند؛ و آیه رؤیت، ناظر به بحث ولایت تکوینی اهل بیت علیهم‌السلام و رؤیت و نظارت اعمال انسان‌ها در دنیا است؛ ولایت تکوینی که تقریباً شیعیان بر ثبوت آن در امامان معصوم علیهم‌السلام متفق‌اند (حمود، ۱۴۲۱: ۲ / ۱۱۹ - ۱۱۷) به نظر امامیه، همراه با تأییدات تجربی، فلسفی و عقلی است (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۸۹: ۹) که یکی از مصادیق آن علم خاص و شأن امامان علیهم‌السلام در «رؤیت و شهادت انبیاء عظام علیهم‌السلام و امامان معصوم علیهم‌السلام بر رفتار امت» است؛ به طوری که ایشان شاهدان باطن و حقیقت اعمالند (مطهری، ۱۳۶۹: ۶۰) هر چند اصطلاح ولایت تکوینی از سوی متأخران اصطلاحی نوظهور است؛ اما می‌توان مفاد آن را از آیات قرآن و روایات متعدد اثبات و استنباط کرد که از جمله این آیات، آیه مورد

۱. از جمله ملزومات این اعتقاد، لزوم طهارت ذات و نفس با درجه کمال آن در عصمت است در اعتقاد امامیه با همان تبیین لزوم عصمت در نبوت، عصمت امام نیز الزامی است تا رسالت اسلام پس از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و شئون مربوط به عالم اسلام بدون هیچ خطا و با مصونیت و ضریب اطمینان کامل، ایفای نقش شود که این خود بیانگر سعه نفسانی امام و مقام و مرتبه او در اعتقاد شیعه است.

بحث و روایات متعددی است که به بخشی از آن در این مقاله، اشاره شده است.

توضیح این‌که ولایت تکوینی اولاً و بالذات از آن خدا و ولایت غیر خداوند، مقامی وابسته و در طول ولایت الهی؛ موهبتی الهی و به اذن و قدرت لایزال او متکی است، درواقع نفس انسان کامل - که مصداق اتم آن معصومان علیهم‌السلام؛ انبیا و امامان اثنی عشری علیهم‌السلام، اولیاء الهی و بندگان شایسته خدا هستند - در پرتو عقل و نیروی نظر و عمل، با راهیابی به عوالم الوهیت، از فروغ انوار آن مایه گرفته‌اند (ملاصدرا، ۱۳۶۱: ۱۱۱) که در این میان برخی از اولیاء الهی بر اثر عبودیت و بندگی، با تکامل روحی، از چنان قدرتی برخوردارند که هم بر جهان هستی مسلطند و هم بر قلوب و ضمائر انسان‌ها آگاه و ناظر بر اعمالشان هستند؛ و چنین ولایتی، کمال روحی و امر وجودی اکتسابی است (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۸۹: ۷) که البته احادیث بسیاری؛ به‌عنوان شاهدان برون متنی، در این زمینه در دست است.<sup>۱</sup> ازجمله حدیث قرب نوافل که در آن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مقامات بلند سالکان و پویندگان راه حق؛ عبودیت و بندگی اشاره می‌فرماید که چگونه در سایه انجام فرایض و نوافل به چنان حدی از کمال و قدرت معنوی می‌رسند که خداوند قوای چشم و گوش و قوای باطنی او را زنده و تقویت می‌کند و با پرتو قدرت الهی نافذتر و شنواتر می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۵۲؛ سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۸۹: ۱۰) نکته قابل تأمل، اقسام، صور، مراتب و ابعاد مختلف این ولایت است؛ «رؤیت اعمال» معصومان علیهم‌السلام به‌عنوان جلوه برتر این ولایت، اقتضای مسئولیت مهمّ امامت، در نظام هستی و جامعه اسلامی، لزوم مبسوط الید بودن، علم و آگاهی جامع و ضرورت تبعیت کامل، در تمام امور؛ اعم از دینی، دنیوی؛ کلی و جزئی در امر اصلاح نفوس و هدایت امت است؛ در این نگاه، معصومان علیهم‌السلام به‌دلیل کمالات وجودی و به اذن الهی، با معرفت، بینش، تهذیب نفس و تقویت بعد معنوی، به سعه و اشراف وجودی رسیده‌اند و با باریافتن به مراتب اعلا و ملکوتی، آینه تمام‌نما و مظهر ذات و اوصاف الهی می‌شوند و تنها ایشان مظهر اسم اعظم الهی هستند و به‌عنوان مجرای حق و مظهر حاکمیت ولایت الهی و در جهت اصلاح خلق و رفع فساد، به هر نحوی که بخواهند، بر عالم هستی و نفوس مردم، ولایت و تصرف دارند، (ر. ک: حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۱۰۷؛ ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۳۲۰؛ ۱۹۸۱: ۳ / ۳۶۶؛ صمیمی، ۱۳۸۹: ۱۲۴) آنان ولی خدایند و تمام شئون وجودیشان فانی در حق است و از مقام فنا به مقام بقای به حق رسیده‌اند و مبدأ افعال و آثار او؛ تجلی خاص خدا؛

۱. این روایات در اصول *الکافی*، کتاب حجت، ذیل عنوان عرض اعمال بر پیامبر و ائمه (ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۱۹)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ذیل آیه ۱۰۵ توبه و *وسائل الشیعه*، «باب وجوب حذر من عرض الاعمال علی الله و رسوله و الائمه» آمده است که بیشتر این احادیث با اشاره به رؤیت اعمال، یا به عرضه اعمال بندگان، در هر شب و روز و با تطبیق عرض اعمال امت بر پیامبر و امامان معصوم در دنیا، فاصله‌ای میان انجام عمل؛ شهود و عرضه آن بر معصوم برنشمردند. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۱۰۷)

مظهر و شأنی از شئون فاعلیت خدا؛ عین‌الله و لسان‌الله هستند.<sup>۱</sup> و حضور و شهود معصومان علیهم‌السلام؛ اعم از حی و میت آن، جهت ادای رسالت در هدایت بشر تا لحظه قیامت است و امامیه آیه شریفه رؤیت را سندی قرآنی بر اعتقاد خود می‌دانند و بر مبنای آن، خود را در درجه اول در محضر خدا و در درجات بعد در محضر نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و معصومان علیهم‌السلام می‌بینند که بر همین مبنای با مستندات روایی ائمه به‌عنوان «عَيْنُ اللَّهِ ... وَ أَدْنَاهُ السَّمْعَةُ وَ لِسَانُهُ النَّاطِقُ ...» معرفی می‌شوند؛ و این تفکر در اعمال ادعیه و عبادات امامیه و همچنین آثار عملی آن در تاریخ امامیه و آثار علمی ایشان، مشهود و بین است؛ اعم از آثار حدیثی (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۴۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴ / ۹ و ۱۴۰۴: ۲ / ۱۱۵) کلامی (راوندی، ۱۴۰۹: ۱ / ۳۳۲؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۳: ۱۶؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۴۸؛ حرعاملی، ۱۴۲۵: ۳ / ۴۹۸؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۱ / ۲۴۵؛ ابن‌بابویه، ۱۳۹۸: ۱۶۴ و ۱۳۲) کتب مناقب (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۶۱؛ حافظ برسی، ۱۴۲۲: ۱۲۳؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲ / ۳۸۵؛ جزائری، ۱۴۲۷: ۲ / ۹۶؛ علوی، ۱۴۲۸: ۷۵)، تاریخ (هلالی، ۱۴۰۵: ۲ / ۸۶۰) و حتی در اعمال و عبادات؛ ادعیه و زیارت (ابن‌مشهدی، ۱۴۱۹: ۲۰۹؛ ابن‌طاووس، ۱۴۰۹: ۲ / ۶۱۰؛ شهید اول، ۱۴۱۰: ۹۴؛ مجلسی، ۱۴۲۳: ۲۶۷) و بر همین مبنای تفسیری متفاوت از عامه در تبیین آیه شریفه رؤیت ارائه داده است که تفصیل بیشتر بحث ولایت تکوینی، خارج از رسالت و توان این نوشتار است و پژوهشی مستقل را می‌طلبد

### جمع‌بندی و نقاط افتراق و اشتراک دو دیدگاه امامیه و عامه

آنچه در تفاسیر امامیه مشهود است: اتفاق امامیه بر چند نکته است:

- مخاطبان آیه عموم انسان‌هاست.
- «سیری» یک مفعولی، به معنای دیدن حقیقت و مطلق عمل و مختصّ عده‌ای خاص است.
- آیه درصدد بیان مقام سلطنت و حکومت خداوند و مقام ولایت تکوینی معصومان علیهم‌السلام به اذن الهی به‌عنوان اصل مسلم اعتقادی امامیه است؛ آگاهی خداوند بر خفا و علن اعمال انسانی و همچنین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مؤمنان.
- با توجه به کاربرد تحقیقی و تأکیدی سین و صدر و ذیل آیه، تبیین رؤیت در دنیا، سازگار و مناسب با فصاحت، مراد و غایت آیه است.
- اطلاق در آیه، بیانگر شمول تمامی اعمال؛ و در نتیجه متعلق رؤیت، مطلق عمل و حقیقت آن است

۱. عین‌الله الناظره و اذنه السامعه و لسانه الناطق و یده الباسطه؛ چشم بینا، گوش شنوا، زبان گویا و دست گشاده خداوند. (ابن‌بابویه، ۱۳۹۸: ۱۶۷)



نه آثار آن؛ و به اقتضای فصاحت قرآن، این رؤیت فوق توان عوام و نیازمند بصیرت است.  
- ذکر نام رسول و مؤمنان، در پس نام خدا، در صورتی صحیح است که منظور همه اعمال و از طرق غیرعادی (شهود) باشد و الاً اعمال آشکار، مرئی مؤمنان و غیرمؤمنان است.  
- مراد از «مؤمنون»، معصومان؛ در حیات دنیوی و اخروی و به نحو علم حضوری است.  
- توجه و ایمان به حقیقت نظارت و مراقبت خدا، پیامبر و مؤمنان بر اعمال انسان، اثر عمیق و فوق‌العاده‌ای در پاکسازی اعمال و نیات او دارد.

- اما تنها نکته‌ای که برخی مفسران امامیه به اجمال تفسیر نموده و به‌طور سطحی از ابهامات آیه گذشته‌اند و اتفاق کامل مشهود نیست؛ کیفیت «رؤیت» است که این اختلاف در جزئیات و میزان غور در مباحثات، برخاسته از گرایش فکری مفسران در علوم نقلی یا فلسفه و عرفان است؛ تبیین رؤیت به‌معنای گزارش و عرضه اعمال، ریشه در میزان اطلاع و اتکاء بر نقل و مباحثی چون انسان کامل، کشف و شهود، ریشه در گرایشات فلسفی - کلامی و عرفانی مفسران دارد؛ اما به نظر می‌رسد، نظریه صواب؛ دیدگاه امثال طباطبایی و آیه الله جوادی آملی است که مشاهده گزارش اعمال و اختصاص آن به ساعات و لحظات خاص را ناسازگار با بیان قرآن کریم می‌دانند؛ چراکه بر پایه فلسفه و عرفان امامیه، معصومان علیهم‌السلام به اذن الهی و با معرفت، بینش، تهذیب نفس و تقویت بعد معنوی، به سعه و اشراف وجودی رسیده‌اند و با باریافتن به مراتب اعلا و ملکوتی، تنها مظهر اسم اعظم الهی و آینه تمام نمای اوصاف الهی هستند، (ر. ک: ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۳۲۰؛ ۱۹۸۱: ۳ / ۳۶۶؛ صمیمی، ۱۳۸۹: ۱۲۴) بنابراین معصومان: بنابر رسالت حاکمیت ولایت الهی، همواره شاهد و ناظر بر اعمال امت هستند، تبیین دقیق این نحو از نظارت حاصل از اشراف وجودی و به جهت توسعه وجودی و به اذن الهی برای انسان‌های کامل، نسبت به سایرین است که نه از نوع تعلیمی؛ بلکه با سعی، جهد و توفیق الهی حاصل می‌شود و آن نتیجه کمال نفس است که در پی آن از بدن طبیعی بی‌نیاز شده و در ادراکاتش از جسم و جسمانیت و انفعالات آن مستغنی می‌گردد (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۶ / ۴۲۵) و حقیقتی عقلی شده و علم اشراقی به حقایق عقلی می‌یابد و حقایق عقلی را شهود می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۳ / ۱۵۶ - ۱۵۵)

اما نگاه معمول عموم مفسران عامه به مباحث مطرح در این آیه؛ خبر رؤیت اعمال و آثار و پیامدهای آن، به‌عنوان امر عادی مشهود انسان در دنیاست (ر. ک: سیوطی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۷۶ - ۲۷۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵ / ۹۱) و چند نگاه عمده، مطرح است:

۱. گروهی با هم سنخ دانستن این آیه با آیه ۹۴ همین سوره، معتقدند، آیه وعیدی به منافقان متخلف از جهاد است که تخلفشان باعث نقص است که حتی با توبه، همچنان از مجاهدان متمایزند و آیه را

خارج از بحث نظارت، مشاهده یا عرضه اعمال می‌دانند. (اندلسی، ۱۴۲۰: ۵ / ۵۰۱)

۲. به نظر برخی دیگر، آیه در صدد بیان امری عادی است و تهدیدی است جهت رسوا نشدن در دنیا و آخرت. رؤیت به معنای دیدن‌های معمول مبصرات و منظور از اعمال، همان حرکات، سکناات و آثار افعال است که عموم مؤمنان، با رؤیت افعال و آثار دیگران، آن را مورد مدح یا ذم قرار می‌دهند. (بیضاوی: ۱۴۱۸: ۳ / ۹۷)

۳. گروهی دیگر با همین تبیین؛ اما با محدودیت در بیان جایگاه رؤیت، آن را مربوط به پس از مرگ و قیامت می‌دانند که: «یوم تیلی السرائر». (اسفراینی، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۹۰۴؛ ابن عاشور، بی تا: ۱۰ / ۱۹۹)

۴. گروهی نیز در تفسیر آیه به همین حد اکتفا کرده‌اند که خداوند به‌طور عیان اعمال را می‌بیند و جزا می‌دهد و پیامبر با آگاهی از طریق خداوند، طلب استغفار می‌کند و مؤمنون نیز به‌واسطه محبتی در اثر نیکی به دیگران که خداوند در دل ایشان افکنده، دعایشان می‌کنند. (ملاحویش، ۱۳۸۲: ۶ / ۴۸۳)

اما در این میان، فخررازی با نکته سنجی در نکات کلیدی آیه، به تفسیر می‌پردازد و در نگاه ابتدایی، نظر وی همسو با نظر مفسران امامیه است. (ر. ک: رازی، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۱۴۴ - ۱۴۱) نکته قابل توجه، وجود برخی آشفتگی در تفسیر اوست؛ به‌عنوان مثال ذیل آیه ۶۴ سوره توبه: «يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ اسْتَهِزُّوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ»، فعل «وَقُلْ اعْمَلُوا» را نظیر فعل «قُلْ اسْتَهِزُّوا» و هر دو را از یک سنخ تلقی و هر دو را امری تهدیدی می‌داند؛ اما ذیل آیه ۱۰۵، این فعل را جامع ترغیب و ترهیب می‌خواند. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۱۴۲ و ۹۴)

با تأمل در دو دیدگاه امامیه و عامه، نقاط مشترکی مشهود است از جمله:

۱. در هر دو گروه، عده‌ای از مفسران با تفسیری گذرا از آیه، از نکات تفسیری غافل شدند. البته در مقابل در هر دو گروه نیز مفسرانی با نکته‌سنجی و تکاپو و تأمل در آیات و استفاده از نکات کلیدی، تفسیری نسبتاً مفید ارائه دادند که در این میان می‌توان از تفاسیر امامیه به تفسیر *المیزان*، تفسیر *تسنیم* و تفسیر *روض الجنان* و *روح الجنان* و از تفاسیر عامه به تفسیر *کبیر* یا *مفاتیح الغیب*، تفسیر *روح المعانی* و *الدرالمشور* اشاره کرد.

۲. نکات کلیدی مورد استفاده مفسران شاخص هر دو گروه، تقریباً با هم مشترک بوده‌اند؛ از جمله این‌که به نظر امامیه و فخررازی، «رؤیت» در آیه یک مفعولی و به معنای معرفت و دیدن مطلق عمل و حقیقت آن است، همچنان که کاربرد «رؤیت»، به معنای اصلی آن؛ مشاهده محسوسات نیز بلامانع است؛ خداوند همه جا حاضر و ناظر و محیط بر همه محسوسات است و رهاورد تربیتی این آیه، توجه به مقام سلطنت و حکومت الهی و ایجاد روحیه توحیدی، ایجاد و تقویت روحیه حیا در مخاطبان و اثر عمیق و

فوق‌العاده‌ای در پاکسازی اعمال و نیت است؛ زیرا در چنین مشهودی، انسان به دور از بی‌پروایی و بی‌مبالاتی، در هر حال و شأنی، خود را در محضر خدا و مؤمنان می‌بیند.

اما علی‌رغم اتفاق امامیه و فخررازی، در تبیین معنای «رؤیت» به معنای معرفت و دیدن مطلق عمل و حقیقت آن و محل تحقق آن در دنیا؛ اما فخررازی با تبیین متفاوتی، رؤیت پیامبر و مومنان را به ترتیب علم الهی و آگاهی از طریق رسول خدا دانسته است در حالی که آنچه از تفاوت میان علم خدا و رسول و مؤمنان به اعمال بندگان قائل شده است؛ به نظر می‌رسد این تفاوت مناسب با ارتباط نهفته در توالی و پشت سر هم قرار گرفتن رؤیت «الله» و «رسول» و «مؤمنین» و ثمره و فواید درک و اعتقاد به مسئله رؤیت نیست مسئله‌ای که دانستن ثمره آن با مسئله هدایت‌گری قرآن گره خورده است، بنابراین گفتار امثال فخررازی تمامی آنچه قرآن بیان‌گر آن است را شامل نمی‌شود، همچنان که نظر او در مصداق «مؤمنین» متفاوت با نظر امامیه است. در حالی که امامیه رؤیت را هم‌سنخ رؤیت الهی؛ اما بالتبع، به اذن الهی و از سنخ شهود دانسته‌اند؛ نقطه افتراق دو دیدگاه در توجه و بهره‌گیری از روایت تفسیری معصومان علیهم‌السلام است که منجر به اختلافات ریشه‌ای در تفسیر شده است؛ امامیه به‌طور جدی با استفاده از سه مبنای: قرآن [سبک، سیاق و تفسیر قرآن به قرآن]، عقل و روایت، مصداق «مؤمنین» را فقط معصومان علیهم‌السلام و مرتبط با دنیا و به معنای دیدن حقیقت و کنه عمل، ذیل بحث عرضه اعمال می‌داند (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۴۰۶) در حالی که عامه از این نکات کلیدی غافل مانده‌اند. همچنان که در بحث لزوم عصمت و درجات رؤیت برخاسته از تقوا و عصمت معصومان علیهم‌السلام و در نتیجه بهره‌گیری از آیات مربوط به شهادت انبیاء و استفاده‌های تفسیری در تفسیر آیه، امامیه با نکته‌سنجی و پیوند این بحث به مباحثی چون: ولایت باطنی و اشراف رتبه‌ای معصومان علیهم‌السلام بر سایر مؤمنان و به تبع سایر امت‌ها، قائل به نکات تربیتی از آیه هستند که جای این مبحث در تفاسیر عامه خالی است مطلبی که با توجه به نقش هدایت‌گری قرآن دارای اهمیتی ویژه است به‌خصوص که با درک درست و ایمان آن می‌توان به پیامدهای بزرگی دست یافت که می‌تواند زمینه‌ساز تحقق امری اساسی و مهم نهفته در فلسفه انزال قرآن و ارسال رسل و حتی خلقت انسان است که او همچون سایر مخلوقات و به‌طور مؤکد و ویژه دارای کمالی است که غایت آفرینش اوست و خداوند خود را تحقق بخش آن و خلفایش (رسول و ائمه معصومین علیهم‌السلام) را واسطه خود در هدایت و تحقق این هدف متعالی قرار داد. توجه، درک درست و ایمان راسخ به حقیقت رؤیت الهی و خلفایش و عمل براساس آن می‌تواند آثار و برکات تربیتی بسیاری در هدایت و نورانیت انسان به همراه داشته باشد که نتوان به راحتی از آن گذشت و باید درباره آن تأمل، تمرکز و توجه بیشتر داشت.

## نتیجه

- مشکل اصلی تفسیر آیه به دو مسئله بازمی‌گردد:
- نخست: چگونگی «رؤیت»؛ امامیه متأثر از روایات معصومان علیهم‌السلام و با مبانی و تحلیل‌های فلسفی - عرفانی بر رؤیت شهودی اعمال متفقند برخلاف تفاسیر عامه که در آن انسجام تفسیری در این مسئله مشاهده نمی‌شود.
- دوم: مصادیق «مؤمنین»؛ امامیه متأثر از مبانی اعتقادی، مصداق بارز و قطعی مؤمنان را معصومان علیهم‌السلام می‌داند برخلاف عامه که مصداق آن را عموم مؤمنان می‌دانند.
- دیدگاه امامیه با توجه به مبانی اعتقادی و ادله عقلی و نقلی، با بسته جامعی در تفسیر آیه، پاسخی منسجم و همه جانبه به مسئله است؛ بنابراین امامیه، با تحلیل در اعتبار عصمت بر پیامبران علیهم‌السلام و امامان علیهم‌السلام و بحث ولایت باطنی به همراه ادله قرآنی، روایی و عقلی، محذوری در تفسیر آیه ندارد در حالی که عامه به جهت اختلاف مبانی با امامیه، به‌ویژه در بهره‌مندی از احادیث معصومان علیهم‌السلام، فاقد پاسخ جامع، اقناع‌کننده و در نتیجه، تفاسیر؛ مختلف، غیرمنسجم و اغلب سطحی و گاه مشوش است.
- وجه مشترک تفسیر امامیه و عامه این است که آیه در مقام تهدید و تشویق مخاطبان، همراه با رهاورد اخلاقی و تربیتی است که لازمه نیل قطعی به تمامی رهاوردهای آن، درک درست و دقیق‌تر آیه را می‌طلبد که لزوم آن در مسئله رسالت هدایت‌گری تک‌تک آیات قرآن و ارسال رسل به‌عنوان غرض الهی از خلقت نهفته است.
- در بین مفسران عامه فخر رازی اهتمام و تلاش بیشتری در حل مسئله داشته و در بین مفسران امامیه علامه جوادی میسوطر به مسئله توجه نموده‌اند

## منابع و مأخذ

### الف) کتابها

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۶، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۸ ش، التوحید، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، معانی الأخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

تفسیر مقارنه‌ای آیه ۱۰۵ توبه از دیدگاه مفسران فریقین با تأکید بر ... □ ۱۰۷

- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ ق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۶۹ ش، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم، علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۰۹ ق، إقبال الاعمال، ج ۲، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، التحریر و التنویر، ج ۱۰، بی جا.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر، ۱۴۱۹ ق، المزار الکبیر، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، ج ۱۵، بیروت، دار الفکر، ج ۳.
- اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور، ۱۳۷۵ ش، تاج التراجم فی تفسیر القرآن لاعاجم، ج ۲، تهران، علمی و فرهنگی.
- اندلسی، ابو حیان محمد، ۱۴۲۰ ق، البحر المحیط فی التفسیر، ج ۵، بیروت، دار الفکر.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۳ ق، مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، ج ۱، قم، المعارف الإسلامیة.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی، ابواسحاق احمد، ۱۴۲۲ ق، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جزائری، نعمت الله بن عبد الله، ۱۴۲۷ ق، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۲، بیروت، تاریخ العربی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۶ ش، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۶، قم، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸ ش، ولایت فقیه ولایت، فقاہت و عدالت، قم، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴ ش، تسنیم، ج ۳۵، قم، اسراء.
- حافظ برسی، رجب بن محمد، ۱۴۲۲ ق، مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنان علیهم السلام، بیروت، أعلمی.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۶، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۲۵ ق، إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، ج ۳، بیروت، اعلمی.
- حمود، محمد جمیل، ۱۴۲۱ ق، الفوائد البهیة فی شرح عقائد الإمامیة، ج ۲، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ج ۲.

- خمینی، سید روح الله، ۱۳۶۰ ش، *مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه*، ترجمه احمد فهری، تهران، پیام آزادی.
- دروزه، محمدعزیز، ۱۳۸۳ ق، *التفسیر الحدیث*، ج ۹، قاهره، دار احیاء الکتب العربیة.
- رازی، ابوالفتح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب / التفسیر الکبیر*، ج ۱۶، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، ۱۴۰۹ ق، *الخواتج و الجرائح*، ج ۱، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
- رشیدرضا، محمد بن علی، ۱۹۹۰ م، *تفسیر المنار*، ج ۱۱، مصر، هیئة المصریة العامة للکتاب.
- زجاج، ابراهیم بن سری، ۱۴۲۰ ق، *اعراب القرآن*، ج ۲، بیروت، دار الکتب الاسلامیة.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأفاویل فی وجوه التأویل*، ج ۲، بیروت، دارالکتب العربی.
- سلمی، محمد بن حسین، ۱۴۲۱ ق، *حقائق التفسیر*، ج ۱، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- سمعانی، احمد بن منصور، ۱۴۱۸ ق، *تفسیر*، ج ۲، الرياض، دارالوطن.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، ج ۳، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۱۶ ق، *تفسیر الجلالین*، بیروت، النور.
- شبر، سید عبدالله، ۱۴۱۲ ق، *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دار البلاغة.
- شهید اول، محمد بن مکی، ۱۴۱۰ ق، *المنار فی کیفیة زیارات النبی و الأئمة علیهم السلام*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
- صفار قمی، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ ق، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*، ج ۱، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- صمیمی، علی، ۱۳۸۹ ش، *انسان کامل از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه*، تهران، همایش اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی.
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۳ ش، *نهایة الحکمة*، ج ۳، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۹ و ۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، ج ۲، مشهد، مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷ ش، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران و قم، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.

تفسیر مقارنه‌ای آیه ۱۰۵ توبه از دیدگاه مفسران فریقین با تأکید بر ... □ ۱۰۹

- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۹ ش، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، ج ۶ و ۵، ترجمه علی کرمی، تهران، فراهانی.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ ش، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۶، تهران، اسلام.
- عاملی، علی بن حسین، ۱۴۱۳ ق، *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، قم، دار القرآن الکریم.
- علوی، محمد بن علی بن الحسین، ۱۴۲۸ ق، *المناقب*، قم، دلیل ما.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷ ش، *تفسیر احسن الحدیث*، ج ۴، تهران، بنیاد بعثت، چ ۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، ج ۱، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار*، ج ۹۹، ۴ و ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۲۳ ق، *زاد المعاد - مفتاح الجنان*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸ ش، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۹ ش، *ولاءها و ولایتها*، تهران، صدرا.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۶ ش، *التمهید فی علوم القرآن*، ج ۳، قم، التمهید.
- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، *الإختصاص*، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۴۲۱ ش، *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، ج ۶، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ملاحویش، عبدالقادر آل غازی، ۱۳۸۲ ش، *بیان المعانی*، ج ۶، دمشق، الترقی.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، ۱۳۵۴ ش، *المبدأ و المعاد*، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۱ ش، *عروشیه*، ترجمه غلامحسین آهنی، تهران، مولی.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، ۱۹۸۱ م، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، ج ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- نحاس، ابو جعفر، ۱۴۲۱ ق، *اعراب القرآن*، ج ۲، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- هلالی، سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ ق، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، ج ۲، قم، الهادی.
- همتی، همایون، ۱۳۶۳ ش، *ولایت تکوینی*، تهران، امیر کبیر.

#### ب) مقاله‌ها

- سبحانی، جعفر و محمد محمدرضایی، ۱۳۸۹ ش، «پژوهشی در باب ولایت تکوینی انسان از دیدگاه

۱۱۰ □ فصلنامه مطالعات تفسیری، سال ۱۳، پاییز ۱۴۰۱، ش ۵۱

- قرآن»، *انسان پژوهی دینی*، ش ۲۴، ص ۱۸ - ۵، قم، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی.
- فاریاب، محمدحسین، ۱۳۹۳ ش، «جستاری در شأن ولایت تکوینی امامان علیهم السلام»، *آینه معرفت*، ش ۳۴، ص ۱۳۶ - ۱۱۵، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- فرمانیان، مهدی و جعفر رحیمی، ۱۳۹۵ ش، «اندیشه عالمان بغداد (مکتب بغداد) در مسئله ولایت تکوینی»، *نقد و نظر*، س ۲۱، ش ۲، ص ۱۱۵ - ۹۵، قم، دانشگاه باقر العلوم علیه السلام.